



امام حسین (علیه السلام) هنگامی که تصمیم گرفت (از مکه) رهسپار عراق شود، بر خاست و خطبه‌های به این مضمون ایراد فرمود

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ، حُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وَدِّ آدَمَ مَخَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاهِ، وَ مَا أَوْلَهْنِي إِلَى أَسْلَافِي اِشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ، وَ خَيْرُ لِي مَصْرَعٌ أَنَا لِأَقِيهِ. كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعَهَا عَسْلَانُ الْفُلُواتِ بَيْنَ النُّوَابِسِ وَ كَرِبَاءِ فَيْمَلَانَ مَنِي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِيهِ سَغْبًا، لَا مَحِيصَ عَن يَوْمٍ حُطَّ بِأَلْقَمِ، رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصَبَ عَلَيَّ بِلَائِهِ وَ يُوفِينَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ. لَنْ تَشُدَّ عَن رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِحَمَّتْهُ، وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يَنْجِزُ بِهِمْ وَعْدَهُ.

مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مَهْجَتَهُ، وَ مَوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۴، ص: ۳۶۷

ستایش مر خدای راست، و مشیت از آن او، و قوت و نیرویی جز به خدا نباشد (قوت هم ازوست) و درود خدا به رسول مکرم او (و ایش) و سلام خدا بر او باد، آرایش مرگ بر فرزند آدم چون آرایش گردنبنند بر گردن دوشیزگان است، گرایش و اشتیاقم به زیارت اسلافم (جد و پدر و مادر و برادرم) چون اشتیاق یعقوب به یوسف است، و برایم قتلگاهی گزیده شد که من بدان جایم باید رفت، گونیا می‌نگرم که گرگهای بیابان بند بند مفاصلم را از هم جدا کنند در میان نوایس و کربلاء، چه شکمها از من پر، و چه انبناها که از من آکنده گردد، گریزی از آنچه بر قلم تقدیر رفته نیست، ما- اهل بیت- خشنودی خدا را خرسندی خود دانسته، بر بلایش صابریم، و او اجر صابران را به ما می‌دهد، هیچ گوشت پیامبر (پاره تن) او از وی جدا نگرده مگر آن که در حضیره القدس نزدش گرد آید، چشمش بدانها روشن گردیده و بدانها وعده‌اش انجام گردد.

هر کس که در راه ما خون نثار و بذل می‌کند، و لقای خدا را توطین نفس خویش می‌نماید، پس آماده کوچیدن با ما باشد، چه ما ان شاء الله بامداد فردا حرکت می‌کنیم.

• مروری بر مباحث جلسات گذشته

○ خداوند و ارسال عوامل هدایت جهت کمال و سعادت انسان

▪ قرآن کریم کاملترین کتاب الهی و حضرت ختمی مرتبت دو عامل اساسی سعادت

• امامان و اولیاء الهی در ادامه فیض هدایتی پروردگار

○ خداوند مطلق کمال است و افاضات الهی کامل و بدون نقص است

▪ بنابراین عوامل هدایت الهی نیز کاستی و نقص ندارد

○ بررسی چگونگی رفتار انسان مختار با عوامل هدایت الهی

▪ تقسیم بندی سه گانه انسانها در برابر هدایت الهی در قرآن کریم

• کافرین ، منافقین و مومنین

○ همراهی با اولیاء الهی عامل سعادت و رستگاری

▪ حرکت در مسیر صحیح به سوی مقصد درست و به همراه راهنمایان الهی

• شاکله انسانی سبب رفتار و سلوک

○ حالت نفسانی و نقش انسان در ایجاد آن

○ نفس و شاخصه آن در حرکت به سوی کمال و بالا

▪ جنبه روح و نفس ناطقه انسان عامل کمال طلبی انسان

▪ اشتباه و خطا در تعیین مصداق عامل حرکت اشتباه

○ هوای نفس و پیروی از آن عامل سقوط

▪ هوا به معنای خواسته است و پیروی از هوای نفس، یعنی پیروی از خواسته های افراطی نفس اماره

▪ هوای نفس از آن جهت مذموم است که زمینه ساز انحرافات عملی، اخلاقی و اجتماعی و حتی سبب پدید آمدن بیماری های روانی و

بدنی برای انسان می شود و آدمی را به وادی گمراهی، ظلم و گناه می کشاند.

▪ هوای نفس به هر عمل و رفتار ظاهری و باطنی گفته می شود که در جهت مخالف خواسته و اراده خداوند متعال باشد.



- غفلت از یاد خدا، فراموش کردن نعمت ها، نیکی ها، حکومت و اقتدار الهی و پیروی از شیطان و شیطان صفتان، افراط و تفریط در اعمال و رفتار، برخی از مصادیق پیروی از هوای نفس می باشد.
- در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز روایات متعددی پیرامون خطر هوای نفس و لزوم مخالفت با هوس ها وارد شده است.
- در روایتی از حضرت علی علیه السلام چنین آمده است:
 - «فرمان بری از نفس و پیروی از هوس های آن، شالوده هر رنج و سرچشمه هر گمراهی است».
 - در روایت دیگری آمده است: **مَلَائِكَةُ الدِّينِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى** «اساس دین، مخالفت با هوای نفس است».
 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۴۲
- همچنین امام علی علیه السلام فرموده است: **إِيَّاكُمْ وَ غَلْبَةَ الشَّهَوَاتِ عَلَى قُلُوبِكُمْ فَإِنَّ بِدَائِيَّتَهَا مَلَكَهٌ وَ نَهَايَّتَهَا هَلَكَهٌ**
 - «زندهار از چیره آمدن شهوت ها بر دل هایتان؛ زیرا که آغاز آنها بندگی است و انجام آنها نابودی»
 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۳۰۶
- ایجاد شاکله وجودی در نحوه برخورد انسانها با عوامل الهی با توجه به آیات ۸۷ و ۸۸ سوره مبارکه بقره
 - **وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ آيَاتِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ**
 - و بی گمان به موسی کتاب بخشیدیم و پس از وی پیامبران (دیگر) را در پی آوردیم و به عیسی پسر مریم برهانها (ی روشن) دادیم و او را با روح القدس نیرومند کردیم؛ پس چرا هرگاه پیامبری، پیامی نادلخواه شما نزدتان آورد سرکشی ورزیدید، گروهی را دروغگو شمردید و گروهی را می کشتید؟
 - هوای نفس و مخالفت با دستورات اولیاء الهی
 - تطابق ذات نفس و عقل سلیم و فطرت با دستورات حقه الهیه .
 - اشاره به کارایی عقل و وحی و رابطه آنها با توجه به جلسات گذشته (محرم سال ۹۵)
 - تکبر و سرکشی در برابر دستورات الهی نتیجه پیروی از هوای نفس
 - نتیجه استکبار و خودخواهی چیست ؟
 - مقدمات بدبختی، بدست خود انسان است و اگر گروهی مورد لعنت و قهر الهی قرار می گیرند، به خاطر کفر و لجابت خودشان است.
 - جایگاه نفس و هوای نفس در اشعار اهل معرفت (مثنوی معنوی)
 - یوسف وقتی و خورشید سما * زین چه و زندان برآ و رو نما
 - یونست در بطن ماهی پخته شد * مخلصش را نیست از تسبیح بد
 - گر نبودى او مسیح بطن نون * حبس و زندانش بدی تا بیعتون
 - او به تسبیح از تن ماهی بجست * چیست تسبیح آیت روز الست
 - گر فراموش شد آن تسبیح جان * بشنو این تسبیح های ماهیان
 - هر که دید الله را الهی است * هر که دید آن بحر را آن ماهی است
 - این جهان دریاست و تن ماهی و روح * یونس محبوب از نور صبح
 - گر مسیح باشد از ماهی رهید * و نه در وی هضم گشت و ناپدید



- بر تو خود را می‌زنند آن ماهیان * چشم بگشا تا ببینی شان عیان
- ماهیان را گر نمی‌بینی پدید * گوش تو تسبیحشان آخر شنید
- صبر کردن جان تسبیحات تست * صبر کن کان است تسبیح درست
- هیچ تسبیحی ندارد آن درج * صبر کن الصبر مفتاح الفرج
- توصیف عارف در کلام امام صادق علیه السلام
- قال الصادق عليه السلام: العارف شخصه مع الخلق و قلبه مع الله تعالى، و لو سها قلبه عن الله تعالى طرفه عين لمات شوقا إليه، و العارف امين ودائع الله تعالى، و كنز اسراره، و معدن نوره، و دليل رحمته على خلقه، و مطيئة علومه، و ميزان فضله و عدله
- حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر که به مرتبه عرفان رسید و به ذات و صفات حق تعالی و احوال مبدأ و معاد فی الجمله شناسا شد، دل او هرگز از یاد خدا و ذکر خدا غافل نمی‌شود، هر چند بدن او با خلاق باشد و با ایشان مختلط و محشور باشد. و اگر فرضاً لحظه‌ای از یاد حق غافل شود، از شدت شوق هلاک می‌شود.
- مصباح الشریعة-ترجمه عبد الرزاق گیلانی، ص: ۵۷۸
- انسان عارف، در عین محشور بودن با خلق، قلبش با خدا است. اگر یک چشم بر هم زدن، قلبش از خدا منصرف شود، همانا از شدت شوق او خواهد مرد.
- در این مقام، انسان به جایی می‌رسد که به جز خدا نمی‌بیند و جز زیبایی، مشاهده نمی‌کند و رنگ و رایحه رحمانی می‌یابد.
- و قالوا قلوبنا غُلفٌ بل لنعنهمُ اللهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ
- و گفتند: دل‌های ما در پوششی (پنهان) است؛ (چنین نیست) بلکه خداوند آنان را برای کفرشان لعنت کرده است از این رو اندک ایمان می‌آورند.
- معنای غلف در فرهنگ قرآنی
- غلف جمع اغلف از ماده غلاف است یعنی دل‌های ما در میان پرده‌ها و حجاب‌ها پوشیده شده است، کنایه از اینکه نمی‌توانیم مطالبی را که به ما می‌گویند بفهمیم.
- زیبایی قرآن در هدایت بشر با توجه به آیه ۲۲ سوره مبارکه مجادله
- هرگز دوستی با دشمنان خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) با داشتن ایمان قابل جمع نیست
- لا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
- گروهی را نمی‌یابی که با ایمان به خداوند و روز واپسین، با کسانی که با خداوند و پیامبرش مخالفت ورزیده‌اند دوستی ورزند هر چند که آنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان‌شان باشند؛ آنانند که (خداوند) ایمان را در دلشان برنوشته و با روحی از خویش تأییدشان کرده است و آنان را به بوستان‌هایی درمی‌آورد که از بن آنها جویباران روان است، در آنها جاودانند، خداوند از آنان خرسند است و آنان از وی خرسندند، آنان حزب خداوندند، آگاه باشید که بی‌گمان حزب خداوند است که (گرویدگان به آن) رستگارند.
- اولئک اشاره به مردمی است که به خاطر ایمانی که به خدا و روز جزا دارند با دشمنان خدا هر چند پدر و یا پسر یا برادرشان باشد دوستی نمی‌کنند.



- " کتابت " به معنای اثبات غیر قابل زوال است. و ضمیر در " کتب " به خدای تعالی برمی گردد. و این آیه تصریح و نص در این است که چنین کسانی مؤمنین حقیقی هستند.
- مراد از تایید مؤمنین به روحی از او و بیان اینکه مؤمنان علاوه بر حیات طبیعی از حیات طیبیه برخوردارند
- تایید به معنای تقویت است. و ضمیر فاعل در جمله " ایدهم " به " الله " برمی گردد.
- رابطه میان مقام رضایت و مقام فنا و اطمینان
- يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) إِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً (۲۸) فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹) وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)
- ای جان آرام یافته (۲۷) به سوی پروردگار خویش بازگرد در حالی که تو از او خشنود و او از تو خشنود است (۲۸) پس در میان بندگان من در آی (۲۹) و در بهشت من داخل شو (۳۰)
- نشانه نفس مطمئنه چیست ؟
- عطار نیشابوری در توصیف مقام فنا اینگونه سروده است :
- قدسیان را عشق هست و درد نیست * درد را جز آدمی در خورد نیست
- هر که او خواهان درد کار نیست * از درخت عشق بر خوردار نیست
- گر تو هستی اصل عشق و مرد راه * درد خواه و درد خواه (منطق الطیر، جواب هدهد)
- ما ز آدم درد دین میخواستیم * تا جهانی را بدو آراستیم
- او چو مرد درد آمد در سرشت * پاک شد از رنگ و از بوی بهشت
- لاجرم چون اهبطوش آمد خطاب * پای تا سر درد آمد و اضطراب
- هر کرا دل در مودت زنده شد * در خصوصیت خدا را بنده شد
- سر نه پیچید از ادب تا زنده بود * لاجرم پیوسته سر افکنده بود (مصیبت نامه بخش سی و سوم)
- چه کسی در فرهنگ قرآنی رستگار است
- اشاره به جایگاه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در عشق به اولیاءالهی